

ترجمه انگلیسی این مقاله با عنوان:

Studying the Investigating Between Traditional Baloch Tribal Clothing and Indigenous Architecture in the Sarhad and Mokrnan Region

در همین شماره به چاپ رسیده است.

بررسی تأثیر متقابل پوشش سنتی اقوام بلوچ و معماری بومی در منطقه سرحد و مکران

آرزو رستم زاده^۱، مرضیه هومانی راد^{۲*}

۱. گروه معماری، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه معماری، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

معماری بومی

مقاله پژوهشی

چکیده:

تحقیق حاضر به بررسی متقابل ساختار معماری بومی ایرانی در منطقه سرحد و مکران استان سیستان و بلوچستان و پوشش سنتی اقوام بومی آن و تأثیر متقابل آن‌ها در طول تاریخ می‌پردازد. در این پژوهش با استناد به منابع کتابخانه‌ای و علمی و روش تفسیری و تحلیلی، به نمادشناسی عناصر هندسی در هنر سوزن‌دوزی بلوچ و ارتباط آن با معماری بومی پرداخته شده است.

هدف تحقیق، بررسی تأثیر متقابل مبانی ساختار معماری بومی سیستان و بلوچستان بر پوشش سنتی اقوام بومی است. با توجه به هدف مذکور، جایگاه چهار عامل اساسی «جغرافیا، فرهنگ، معماری و تاریخ» در پدیدارشدن انواع پوشاک سنتی سیستان و بلوچستان و تأثیر آن بر الگوهای ساختاری و معماری بناهای تاریخی باقی مانده آن خطه، مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مهم‌ترین مؤلفه مؤثر بر فرم، بافت و طراحی معماری پوشاک سنتی سیستان و بلوچستان به ترتیب، جغرافیای طبیعی و فرهنگ است. جغرافیای فرهنگی و معماری تاریخی نیز پس از دو عامل نخست، به ترتیب در چگونگی شکل‌گیری معماری و پوشش اقوام مؤثر بوده‌اند؛ و نقش تزئین در زیبایی‌آفرینی هنر معماری مردمان بلوچ که غالباً با تزئینات ظریف تری آمیخته شده است، در هنر معماری و سوزن‌دوزی که آفریده دست مردمانی است که، به دلیل پیوند نزدیک با طبیعت، آن را حرمت نهاده و با الهام از آن، کالبدی این‌چنینی ساده و درعین‌حال پیچیده، با حداکثر کارایی و زیبایی، برای زندگی خود خلق کرده‌اند.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۴/۱۴

تاریخ بازنگری:

//

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۵/۱۴

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۱۲/۲۰

واژگان کلیدی:

معماری بومی،

سیستان و بلوچستان،

تکنیک و نقوش سوزن‌دوزی،

اقلیم،

معماری پایدار.

**

نویسنده مسئول : +989212414902, hoomanirad@iau.ac.ir

مقدمه

نمادها، به عنوان عناصر بصری حامل معنا، در بستر فرهنگ‌ها و زیست‌بوم‌های متنوع شکل می‌گیرند و در عین حال، خود نقش فعالی در بازتولید هویت فرهنگی و فضایی ایفا می‌کنند. در فرهنگ‌های بومی، نمادها بازتاب‌دهنده باورها، اسطوره‌ها، ساختارهای فرهنگی و حتی نوع پوشش مردمان یک سرزمین هستند. از سوی دیگر، زیست‌بوم با شرایط جغرافیایی و اقلیمی خاص خود، نه تنها بر شکل‌گیری فرم‌ها و الگوهای تزئینی اثرگذار است، بلکه از طریق فرآیندهای تاریخی، معنایی و کارکردی، در تعریف محتوای نمادین نقش ایفا می‌کند. در این میان، معماری به عنوان بستری عینی برای تجلی این عناصر، محل تلاقی فرهنگ و زیست‌بوم با نمادهای تزئینی است. تزئینات و نقوش در معماری بومی، اغلب تبلوری از نظام نمادین فرهنگ و شرایط طبیعی زیست‌بوم هستند؛ به گونه‌ای که معماری را می‌توان یک نظام تصویری پیچیده دانست که پیوندی ارگانیک با زیست‌بوم و فرهنگ دارد. از این رو، بررسی ساختار نمادین در معماری سنتی، می‌تواند راهگشای فهمی عمیق‌تر از هویت فرهنگی و فضایی جوامع بومی باشد. در چنین حالتی می‌توانیم به تعداد بسیار زیادی از دلالت‌های ضمنی پیام توجه کنیم که سرانجام در شمای مفهومی ما جای خواهد گرفت (کتاب حقیقت و زیبایی، بابک احمدی، ۱۳۷۴). پیام‌هایی که با الگوهای هندسی زیبا با اشکال لوزی، مثلث، مربع و دایره، طرح‌های پیچیده و زیبا از گل‌ها و موجودات مختلف پدیدار می‌شود. مجموعه‌ای که از تاریخ این سرزمین و زندگی مردم بلوچ نشأت می‌گیرد (مریم طاهر عزیزی، علیرضا شیخی، ۱۴۰۰). روند شکل‌گیری یا موشکافی معنایی هنر بلوچ و رخداد همزمان تاثیر متقابل آن در معماری آن سرزمین هدف اصلی این پژوهش است. پیام‌هایی که با الگوهای هندسی زیبا با اشکال لوزی، مثلث، مربع و دایره، طرح‌های پیچیده و زیبا از گل‌ها و موجودات مختلف پدیدار می‌شود. مجموعه‌ای که از تاریخ این سرزمین و زندگی مردم بلوچ نشأت می‌گیرد (مریم طاهر عزیزی، علیرضا شیخی، ۱۴۰۰). روند شکل‌گیری یا موشکافی معنایی هنر بلوچ و رخداد همزمان تاثیر متقابل آن در معماری آن سرزمین هدف اصلی این پژوهش است.

پیشینه پژوهش

مطالعات انجام‌شده در زمینه پوشاک سنتی سیستان و بلوچستان و هنر سوزن‌دوزی بلوچ‌ها، اغلب با تمرکز بر جنبه‌های نمادین، تزئینی و فرهنگی این هنرها صورت گرفته‌اند. متین (۱۳۸۶) در کتاب پوشاک/ایرانیان، به تحلیل ساختاری و تصویری نقوش رایج در خامه‌دوزی پرداخته و الگوهایی همچون بته‌جقه، ستاره‌ای، خطوط منحنی و گره‌های هندسی را بررسی کرده است. وی با تاکید بر جنبه‌های بصری و مکرر این عناصر، آن‌ها را در چارچوب زیبایی‌شناسی پوشاک سنتی ایران تحلیل می‌کند.

در اثری دیگر، ریگی (۱۳۹۱) در کتاب سوزن‌دوزی بلوچ، به بررسی ساختارها، نمادها و زمینه‌های فرهنگی هنر سوزن‌دوزی در میان زنان بلوچ پرداخته است. پژوهش وی با رویکردی مردم‌نگارانه، نشان می‌دهد که نقوش به‌کاررفته در سوزن‌دوزی نه تنها جنبه تزئینی، بلکه کارکرد فرهنگی و معنایی نیز دارند و ریشه در اسطوره‌ها، جهان‌بینی و باورهای قومی بلوچ دارند.

مبارکی و مبارکی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحلیلی به بررسی فرم و رنگ در هنر سوزن‌دوزی پرداخته و با تمرکز بر جنبه‌های زیبایی‌شناختی، تأثیر این ویژگی‌های بصری را بر بازنمایی هویت قومی تحلیل کرده‌اند. این مقاله با نگاهی فرمالیستی، نقوش و رنگ‌های به‌کاررفته در پوشاک سنتی بلوچ را در قالب عناصر تجسمی بررسی کرده است.

همچنین، عزیزی و شیخی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان گونه‌شناسی و تحلیل نقوش قوم بلوچ در بلوچی‌دوزی سرحد و مکران، به تحلیل تفاوت‌های فرمی و معنایی نقش‌مایه‌های به‌کاررفته در نواحی مختلف بلوچستان پرداخته‌اند. این مطالعه با رویکرد تطبیقی، به تمایزات سبک‌شناختی و محتوایی میان نقوش مناطق مختلف اشاره دارد.

در حیطه پایان‌نامه‌های دانشگاهی، نرماشیری (۱۳۹۴) در رساله کارشناسی ارشد خود با عنوان تحلیل عناصر نمادین و هندسی در نقوش سوزن‌دوزی بلوچ، به بررسی ارتباط میان هندسه، نمادگرایی و ساختارهای تزئینی در لباس‌های سنتی بلوچ پرداخته و این عناصر را در بستر فرهنگی و معنایی بومی تحلیل کرده است.

نوآوری تحقیق حاضر

اگرچه مطالعات پیشین هر یک به گونه‌ای به تحلیل پوشاک سنتی، ساختارهای بصری و نمادین سوزن‌دوزی بلوچ پرداخته‌اند، اما اغلب آن‌ها صرفاً به حوزه پوشاک یا سوزن‌دوزی محدود شده‌اند و کمتر به نگاه تطبیقی با سایر هنرها پرداخته‌اند. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی بینارشته‌ای و تطبیقی، به بررسی هم‌زمان ساختارهای بصری، فرمی و فرهنگی در معماری سنتی و پوشاک بومی سیستان و بلوچستان پرداخته و تلاش دارد تا زبان مشترک میان این دو حوزه را آشکار سازد. تمرکز بر فرم، تزیینات، ساختار و نظام نمادین مشترک میان لباس و معماری، وجه تمایز و نوآوری این تحقیق نسبت به مطالعات پیشین است.

تحلیل نمادها در پوشش سنتی بلوچ با توجه به اقلیم و فرهنگ

در تداوم بحث پیشین و با توجه به اینکه پوشش اقوام بلوچ نه تنها پاسخی به شرایط اقلیمی سخت منطقه است بلکه جلوه‌ای از نمادها و نشانه‌هایی فرهنگی و باورمحور نیز دارد، می‌توان به بررسی ریشه‌دار این نشانه‌ها پرداخت. هنر پوشش در بلوچستان، به ویژه در میان زنان بلوچ، فراتر از یک پاسخ زیستی به گرما و باد، حامل مفاهیم عمیق اجتماعی، دینی و اسطوره‌ای است. طرح‌های سوزن‌دوزی، نقوش هندسی و انتزاعی، اغلب بازتاب‌دهنده‌ی کیهان‌شناسی سنتی، نقش‌های حیوانی، گیاهی و نمادهای اسطوره‌ای‌اند که از دل تعاملات تاریخی و فرهنگی این قوم با طبیعت پیرامون شکل گرفته‌اند. در این میان، بابک احمدی در کتاب حقیقت و زیبایی به رابطه‌ی نماد و نشانه با ساختار ادراکی انسان اشاره می‌کند. او معتقد است که نشانه‌ها در بستر فرهنگی و زمینه تاریخی قابل تفسیرند، زیرا بدون چنین بستری نمی‌توان به معنا یا دلالت‌های دقیق آن‌ها دست یافت. این دیدگاه در فهم نقوش بلوچ اهمیت دارد: بدون درک بستر تاریخی، اقلیمی و اجتماعی، نقش خورشید در بالای سینه‌ی پیراهن یک دختر بلوچ، صرفاً یک طرح تزئینی تلقی خواهد شد، نه نمادی از مرکز هستی و زندگی.

از این رو، نقوش سوزن‌دوزی بلوچ باید در چارچوب دوگانه‌ی "ضرورت اقلیمی" و "بیان فرهنگی" تحلیل شوند. برای مثال، در پوشاک زنانه استفاده از پارچه‌های نخی و نازک به دلیل

نیاز به تهویه در هوای گرم منطقه است، اما تزیینات ظریف و پر نقش‌ونگار آن‌ها، حامل پیام‌هایی فرهنگی است که نسل به نسل منتقل شده‌اند. این نقوش نه فقط زیبایی، بلکه حافظه جمعی قوم بلوچ را نیز ثبت می‌کنند. شکل‌گیری این نقوش به‌طور ناخودآگاه از طبیعت پیرامون الهام گرفته است: مثلاً خطوط شکسته به شکل کوه، مثلث‌هایی به نماد خیمه یا خانه، و الگوهای تکراری که یادآور بافت‌های معماری سنتی هستند. مطالعه‌ی پوشش اقوام بلوچ همچنین نشان می‌دهد که جنس، رنگ و ساختار لباس، به گونه‌ای طراحی شده‌اند که در برابر بادهای شدید منطقه (به‌ویژه باد ۱۲۰ روزه‌ی سیستان) مقاومت داشته و در عین حال تهویه مناسب ایجاد کنند. شلوارهای گشاد مردان، لباده‌های بلند، و استفاده از دستار، هر یک نقشی در سازگاری با اقلیم ایفا می‌کنند. در عین حال، همین لباس‌ها با وجود سادگی، حامل رمزگان فرهنگی‌اند: رنگ‌های استفاده‌شده گاه نشان‌دهنده‌ی سن، موقعیت اجتماعی، و حتی مناسبت‌های خاص‌اند.

اگر از زاویه دید احمدی به این نمادها بنگریم، می‌توان آن‌ها را در زمره‌ی "نشانه‌های تصویری" قرار داد؛ نشانه‌هایی که تنها با آشنایی با رمزگان فرهنگی منطقه، معنا می‌یابند. بنابراین سوزن‌دوزی بلوچ را باید همچون زبان بصری پیچیده‌ای تلقی کرد که هم‌زمان با طبیعت، فرهنگ، و تجربه زیسته‌ی مردم این سرزمین در تعامل است.

مبانی نظری

مطالعات انجام‌شده در حوزه معماری بومی نشان می‌دهد که مفاهیمی چون هویت، سنت و ساختار از مهم‌ترین مباحث نظری این حوزه به‌شمار می‌آیند و همواره در بازخوانی قابلیت‌های معماری بومی برای بهره‌گیری در معماری معاصر مورد تأکید قرار گرفته‌اند (شه‌بازی و ترابی، ۱۳۹۳: ۳۵). در این پژوهش، ضمن تأکید بر ارزش‌های هویتی معماری بومی، به‌ویژه در منطقه سیستان و بلوچستان، تلاش شده است تا تأثیرات متقابل میان پوشش سنتی اقوام ایرانی (با تمرکز بر سوزن‌دوزی بلوچ) و ساختار معماری بومی بررسی شود و نحوه بروز این تعاملات در زبان تزیینات معماری معاصر تبیین گردد. در معماری، همانند پوشش، تزیینات نه تنها عنصری زیبایی‌شناسانه‌اند، بلکه بیانگر لایه‌های فرهنگی، اقلیمی و ادراکی نیز هستند. به بیان دیگر، همان‌گونه که پوشاک، با

تکرار و نظم ساختاری آن‌هاست که در تزیینات معماری نیز دیده می‌شود. به عنوان مثال، استفاده مکرر از مثلث و مربع در سوزن‌دوزی، همان‌گونه که زنان بلوچ از آن‌ها برای ساخت گل‌های انتزاعی بهره می‌برند، در تزیینات معماری اسلامی به صورت مقرنس، گره‌چینی، و رسمی‌بندی ظهور می‌یابد.

"مثلث همواره نمادی از کوه، استقامت و ایستایی در فرهنگ بلوچ بوده است. در سوزن‌دوزی، از شکل مثلث به عنوان 'کپ' یاد می‌شود که نیمی از طرح مربع را تشکیل می‌دهد و در بناهای اسلامی به شکل مقرنس‌کاری تبلور می‌یابد."

در **جدول شماره ۱**، به برخی از مصادیق مشخص تزیینات معماری که با عناصر سوزن‌دوزی مرتبط‌اند، اشاره شده است: از آن‌جا که زنان بلوچ در شرایط سخت اقلیمی با محدودیت - های طبیعی روبرو بوده‌اند، بسیاری از نقش‌های ذهنی‌شان از حیوانات، عناصر طبیعی و باورهای فرهنگی الهام گرفته است. نقش‌هایی همچون بز، شتر، مرغ، مار و دیگر حیوانات در دوخت‌های بلوچ حضور دارند و می‌توان آن‌ها را به دو دسته اصلی تقسیم کرد:

○ **نقوش انتزاعی:** مانند پنجه مرغ، پای کتارپادک، مرگ پانچ - این‌ها بیش‌تر در سوزن‌دوزی دیده می‌شوند.

○ **نقوش واقع‌گرایانه:** مانند شتر و بز - که اغلب در فرش، گلیم یا نمکدان کاربرد دارند.

"بلوچی‌دوزی، با طبیعت صبور زن بلوچ، نمایشی موزون از رنگ‌های گرم طبیعت و نقش‌های آرام‌کویر است. کمبود گل در بلوچستان باعث شد خیال خلاق سوزن‌دوزان را به هم بزند و انواع گل‌ها را با ترکیب چندمربع، لوزی، مثلث یا مستطیل خلق کنند" (نرماشیری، ۱۳۳۹: ۳۹).

جدول شماره ۱) عوامل مؤثر تزیینات در طراحی ساختمان‌ها

ردیف	عامل تزیینی	شرح	پیوند با سوزن‌دوزی
۱	مثلث (کپ)	نماد کوه و ایستایی، استفاده در مقرنس و رسمی‌بندی	فرم‌های پایه در نقوش سوزن‌دوزی
۲	دریگ	طاقچه‌هایی با کارکرد تزیینی، ایجاد ریتم و تکرار در جداره‌ها	فرم طاقچه با شیوه قاب‌بندی در نقش‌های دوخت
۳	برمک	سکوه‌های چندگانه در اتاق‌ها با کارکرد زیبایی‌شناسی و چیدمان اشیاء	تقسیم‌بندی فضایی مانند چیدمان رنگ و فرم در سوزن‌دوزی
۴	آدینک‌بندی	استفاده از کرز و آینه برای تزیین نمای داخلی	الهام از آینه‌دوزی در هنر سوزن‌دوزی سنتی

به بیان دیگر، همان‌گونه که پوشاک با نقش‌ها و دوخت‌ها تکمیل می‌شود، بنا نیز از طریق تزیینات به کمال می‌رسد. "در بسیاری از موارد، تزیینات معماری حامل نوعی زبان بصری‌اند که به کمک نشانه‌های آشنا برای ساکنان یک منطقه، هویت فضایی و فرهنگی آن را تقویت می‌کنند" (خداوندل و خرمشاهی، ۱۳۸۷: ۳۱).

تزیینات به کار رفته در معماری بومی، همچون نقوش سوزن‌دوزی، تابعی از عناصر اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی‌اند. "با توجه به اینکه زبان بومی هر شهر و حتی یک روستا با دیگری متفاوت است، نقوش تزیینی را می‌توان براساس تکنیک دوخت، نوع پارچه، و سطح مهارت و ظرافت، دسته‌بندی کرد" (همان: ۳۱). این تنوع را می‌توان در ریتم و هارمونی کلی بافت‌های روستایی منطقه بلوچستان مشاهده کرد.

در تمام پهنه جغرافیایی بلوچستان، خواه در سکونتگاه‌های کوچ‌نشین یا در خانه‌های مردمی، ردپای تزییناتی از جنس بوم (خشت، گل، چوب و سنگ) به چشم می‌خورد. "این تزیینات محدود به خانه‌های خان‌نشین نبوده و در معماری مردمی نیز به صورت هماهنگ و مشابه دیده می‌شوند" (ملکزاده و کوششگران، ۱۳۷۳: ۲۲). به‌ویژه در مناطق روستایی مانند «پشامگ» و «پتان» در شهر سرباز، این تزیینات به اوج خود می‌رسند و شباهت‌های زیادی با هنر سوزن‌دوزی زنان بلوچ دارند.

تزیینات در معماری و ارتباط آن با سوزن‌دوزی بلوچی

از مهم‌ترین ویژگی‌های نقوش سوزن‌دوزی بلوچ، هندسه دقیق،

مثلاً در سوزن دوزی، نقش مثلث (کپ) به عنوان نماد کوه و استقامت کاربرد دارد و در معماری نیز فرم طاق نماها و تزئینات مقرنس، بازتابی از همین الگو هستند.

ب) رنگ و اقلیم: انتخاب آگاهانه در برابر طبیعت

○ در پوشاک بلوچ، رنگ های گرم مثل قرمز، نارنجی، و زرشکی استفاده می شه تا در برابر خاک و نور خورشید تضاد بصری ایجاد کند.

○ در معماری هم از مصالحی با رنگ گرم (خشت، کاه گل، آجر) استفاده شده تا با اقلیم خشک و بی آب و علف هماهنگی بصری و حرارتی داشته باشد.

این انتخاب رنگ در هر دو، ناشی از درک مشترک اقلیمی است و زن بلوچ با دوخت، و معمار سیستانی و بلوچستانی با خاک حرف می زنند.

پ) تقسیم بندی و سلسله مراتب در فضا و نقش

○ در پوشاک سنتی، قسمت های مختلف بدن با الگوهای خاص تزئین می شوند (یقه، آستین، پایین دامن).

این خلاقیت در استفاده از فرم های ساده اما نمادین، راه خود را به معماری نیز باز کرده است؛ چنانکه در نمای بیرونی و درون گرایی فضاها، تزئینات با الهام از دوخت و نقش، قابل مشاهده است. در ادامه، به مصادیق مشخصی از این تأثیر در معماری منطقه پرداخته خواهد شد.

• پیوند پوشاک و معماری در سیستان و بلوچستان:

نگاهی به عناصر مشترک

الف) نقش و نگارها: زبان تصویری مشترک

پوشاک سنتی، به ویژه سوزن دوزی بلوچ، از الگوهای هندسی منظم، متقارن و تکرارشونده بهره می برد. این ویژگی دقیقاً در تزئینات معماری بومی سیستان هم دیده می شود:

○ مثلث، لوزی، مربع و دایره در هر دو به عنوان عناصر اصلی نقش ها حضور دارند.

○ ریتم و تقارن نقوش در دوخت لباس، با آجرچینی و مقرنس کاری در معماری قابل تطبیق است.

جدول شماره ۲) عوامل مقایسه ای بین پوشاک سنتی بلوچ و معماری بومی سیستان

ردیف	محور مقایسه	پوشاک سنتی بلوچ (سوزن دوزی)	معماری بومی سیستان
۱	نقوش هندسی	استفاده از اشکال مثلث، مربع، لوزی، دایره در سوزن دوزی برای نمایش مفاهیم فرهنگی	تکرار همین اشکال در آجرچینی، طاق نماها، مقرنس ها و تزئینات دیوارها
۲	ریتم و تکرار	الگوهای متقارن و تکرارشونده در یقه، آستین و پایین لباس	ریتم بصری در تکرار طاقچه ها، آجرهای تزئینی و پنجره های مشبک
۳	رنگ و اقلیم	رنگ های گرم (قرمز، نارنجی، زرشکی) در تضاد با رنگ محیط خشک و بی آب و علف	مصالح گرم و طبیعی (خشت، گل، کاه گل) با هارمونی در برابر تابش آفتاب
۴	نمادهای فرهنگی/اسطوره ای	نقوش بز، مار، پرنده، گل های هندسی - نماد طبیعت و باورهای بومی	همین نقوش یا تجریدی از آن ها در گچ بری ها، نماها، سفال ها
۵	ساختار سلسله مراتبی	هر بخش لباس (یقه، سینه، آستین) با طرح خاص و معنا طراحی می شود	فضاها مثل ورودی، نشیمن، محراب و طاقچه ها هر کدام تزئین خاص دارند
۶	کارکرد تزئینات	هم زیبایی، هم نمایش هویت قومی، هم نقش اجتماعی زن بلوچ	هم تزئین، هم کاهش گرما، هم نمایش منزلت اجتماعی ساکن خانه
۷	مواد و تکنیک های بومی	نخ های ابریشمی، سوزن دوزی دستی، رنگرزی سنتی	خشت، گل، چوب محلی، روش های ساخت سنتی مانند آدینک بندی
۸	هماهنگی با محیط طبیعی	رنگ و نقش متناسب با محیط کویری، نمایش عناصر طبیعت با تجرید	فرم فضا و مصالح متناسب با اقلیم خشک و بادهای شدید

مربع‌ها و لوزی‌های متقارن و ریتم‌دار، روی سینه و آستین لباس‌ها تکرار می‌شوند. این شباهت نشان از زبانی بصری مشترک دارد؛ زبانی که با فرم‌های هندسی، فرهنگ و معنا را در معماری و پوشاک به صورت همزمان منتقل می‌کند.

پ) نقش تزئینات در هویت بخشی:

در معماری بومی سیستان، تزئینات بخشی از هویت بنا را شکل می‌دهد. این نقش در پوشاک نیز پررنگ است؛ به ویژه در سوزن‌دوزی‌های زنان بلوچ. نمای خانه‌ها با آجرهای نقش‌دار و طاقچه‌های تزئین شده زینت می‌یابد، و در لباس‌ها، تزئینات روی یقه، سرآستین و حاشیه پیراهن‌ها دیده می‌شود. این تزئینات صرفاً جنبه زیبایی ندارند؛ بلکه حامل مفاهیم فرهنگی، نمادهای بومی و گاه نشانه‌ای از موقعیت اجتماعی فرد هستند.

ت) ساختار و ترکیب بندی:

در معماری، فضاها به صورت هدفمند طراحی می‌شوند؛ ورودی، اندرونی، مطبخ، بادگیر و دیگر بخش‌ها، هر کدام ساختاری مستقل و جایگاهی خاص دارند. در پوشاک سنتی نیز این ترکیب بندی به چشم می‌خورد. بخش‌هایی چون یقه، آستین، سینه و دامن، هر کدام با نقوش و دوخت‌های ویژه، نقش خود را در ساختار لباس ایفا می‌کنند. در واقع، همان سلسله‌مراتبی که در فضای معماری وجود دارد، در طراحی لباس نیز دیده می‌شود.

ث) زبان رمز آلود نقوش‌ها:

نقوش موجود در معماری و سوزن‌دوزی، حامل پیام‌هایی فراتر از ظاهر هستند. طرح‌هایی از حیوانات و گیاهان، مانند بز، مار و گل‌های بومی، هم در تزئینات گچ‌بری و کاشی کاری معماری و هم در سوزن‌دوزی‌های لباس‌های محلی دیده می‌شوند. این نقوش، چه به صورت انتزاعی و چه واقعی، بازتابی از افسانه‌ها، باورهای بومی و جهان بینی مردم منطقه‌اند؛ زبانی تصویری و رمز آلود برای بیان تاریخ، فرهنگ و ارتباط انسان با طبیعت. در **جدول شماره ۳**، این مقایسه ارائه شده است.

جمع بندی

معماری و پوشاک در این منطقه مثل دو زبان بصری هم‌ریشه‌اند. یکی بدن انسان را می‌پوشاند، دیگری کالبد زندگی او را. اما در فرم، مفهوم، رنگ، مصالح و معنا به هم گره خورده‌اند. در واقع، لباس، معماری بدن است و معماری، لباس روح جامعه.

○ در معماری هم جداره‌ها، ورودی، فضای نشیمن و محراب، هر کدام با تزئین خاص شناخته می‌شوند.

این یعنی هر دو، زبان سلسله‌مراتبی و ساختارمند دارند و مثلاً “آدینک‌بندی” در معماری با آرایش ناحیه یقه در لباس قابل مقایسه است: نقطه تمرکز بصری، نماد هویت.

ت) نمادهای فرهنگی و جهان بینی مشترک

○ نقوش حیوانی مثل بز، شتر، پرند و مار در سوزن‌دوزی نشان‌دهنده باورها و سبک زندگی است.

○ همین حیوانات در نقوش تزئینی ساختمان‌ها، سفال‌ها و حجاری‌های بومی هم دیده می‌شوند.

یعنی هم لباس و هم فضا، بیانگر باورهای زیستی و اسطوره‌ای قوم بلوچ و سیستانی‌ها هستند.

ث) کاربرد دوگانه: عملکرد و زیبایی شناسی

○ لباس بلوچ هم پوشانندگی دارد، هم زیبایی، هم ارتباط اجتماعی.

○ معماری بومی هم همزمان به اقلیم پاسخ می‌دهد، هم زیبایی دارد، هم نشان‌دهنده جایگاه اجتماعی ساکن بنا است.

در **جدول شماره ۲**، به این موارد اشاره شده است.

• تطبیق نمادهای سوزن‌دوزی بلوچ با عناصر معماری

بومی سیستان و بلوچستان

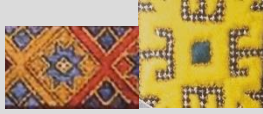
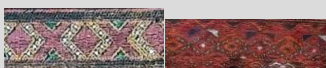
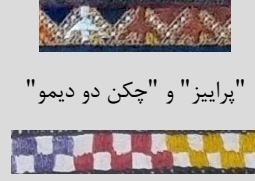
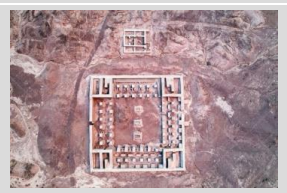
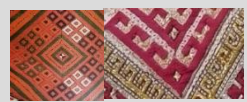
الف) ریشه در بوم و اقلیم:

اقلیم گرم و خشک سیستان و بلوچستان نقش اساسی در شکل‌گیری معماری و پوشاک سنتی این منطقه داشته است. در معماری بومی، استفاده از موادی چون خشت و گل، ساخت بادگیرها و سقف‌های گنبدی، راه‌حلی برای ایجاد تهویه و خنک‌سازی فضای داخلی بوده است. در پوشاک سنتی نیز لباس‌هایی گشاد، با آستین‌های بلند و دوخته شده از پارچه‌های سبک انتخاب شده‌اند تا بدن را از گرمای شدید و تابش آفتاب محافظت کنند. در هر دو مورد، هدف اصلی، سازگاری با اقلیم و فراهم کردن آسایش برای انسان است؛ یکی در فضا و دیگری بر بدن.

ب) نقوش هندسی؛ فرم‌های مشترک:

نقوش هندسی که در معماری سنتی منطقه دیده می‌شود، به طرز شگفت‌انگیزی با طرح‌های به کار رفته در سوزن‌دوزی‌های بلوچ‌ها شباهت دارد. مقرنس‌ها، قاب‌بندی‌های طاقچه، و اشکال هندسی روی دیوارها، در پوشاک سنتی در قالب مثلث‌ها،

جدول شماره ۳) تطبیق نمادهای سوزن دوزی بلوچ با عناصر معماری بومی سیستان و بلوچستان

ردیف	شرح سوزن دوزی	شرح معماری	نمونه یا نکته معماری	تصویر معماری
۱	محسم ساده "با دوخت پلکا" 	خانه های پلکانی شهر سوخته	معماری پلکانی مشابه با الگوی دوخت	
۲	"لوزی های دندانه دار و گل تنک" 	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان زاهدان	استفاده از فرم های ساده	
۳	"گور چم" و "چکن یک دیمو" 	قلعه باستانی چهل دختران زابل	ریتم، تضاد، تقارن، تعادل با اختلاف سطح	
۴	"پراییز" و "چکن دو دیمو" 	ارگ باستانی جلال آباد در دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی	ترکیب مربع ها با برجستگی و فرو رفتگی	
۵	"دل بند"، لوزی دندانه دار و گل "تنک" 	قلعه ناصری شهر ایران شهر	شباهت فرم لوزی و انتهای بنا با سوزن دوزی	
۶	"کلمپرک"، "بتنگ" و "عروسک" 	دهانه غلامان	ترکیب معماری هخامنشی با بومی سیستان	
۷	"پراییز"، "چکن دو دیمو"، 	کوه خواجه	فرو رفتگی و برآمدگی ها مشابه دوخت ها	
۸	"چدن هار" و "پنج آدیتکی" 	درب ورودی قلعه سه کوهه	شباهت قوس ها و آجر چینی ها	

فهرست منابع:

- اسفندیاری، ص. (۱۳۷۰)، نگرشی بر روند سوزن دوزی های سنتی ایران، تهران: صبا.
- بختیاری، آ. (۱۴۰۰)، طراحی لباس فاخر بانوان با استفاده از الگوهای هندسه فرکتال در آینه کاری ایرانی (مورد مطالعاتی: کاخ گلستان، دانشگاه هنر تهران).
- بی باک، غ. ر.، افتاده، م. (۱۳۹۵)، عوامل تاثیر گذار در به وجود آمدن نقوش سوزن دوزی بلوچ، نخستین همایش رودوزی های سنتی سیستان و بلوچستان، زاهدان.
- جانب اللهی، م. س. (۱۳۷۸)، باز شناسی در مسکن روستایی. مجله آبادیش، ۶۰، پاییز ۲۶ - ۳۳.
- خدا بنده لو، ز.، خرمشاهی، م. (۱۳۸۷)، مسکن سنتی بلوچ. مجله تحقیقات جغرافیایی، ۴۳، ۹۲-۱۱۸.
- خاموشی، ز. (۱۳۸۷)، تحول کاربرد و تزئین در سوزن دوزی بلوچ و ترکمن به شیوه سنتی و مدرن، مطالعات هنر اسلامی، موسسه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۹، صص ۷۳-۹۸.
- ریگی، ز. (۱۳۹۵)، تاریخچه نقوش سوزن دوزی زنان بلوچ، نخستین همایش رودوزی های سنتی سیستان و بلوچستان، زاهدان.
- سوزان، ح. (۱۳۹۹)، مطالعه تطبیقی بازتاب مؤلفه های سنتی معماری در آثار منیرشاهرودی فرمانفرمایان و سوزان حفونه. مطالعات هنرهای زیبا.
- سنجریگی، ل. (۱۳۹۷)، طراحی خانه مد و لباس با رویکرد ترویج فرهنگ ایرانی-اسلامی (نمونه موردی: طراحی خانه مد و لباس در شهر تهران، موسسه آموزش عالی باختر ایلام، دانشکده فنی و مهندسی).
- طاهر عزیزی، م.، شیخی، ع. (۱۴۰۰)، گونه شناسی و تحلیل نقوش قوم بلوچ در بلوچی دوزی سرحد و مکران. ره پویه هنر، ۱۳۷۴، ۶۹-۷۴.
- کشاورز، گ.، جواد، ش. (۱۳۹۷)، انتزاع نمادین در زیبایی شناسی هنر بلوچستان، نمونه موردی: سوزن دوزی بلوچ. نشریه علمی پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی باغ نظر، ۱۶ (۷۹).
- مولایی، ص.، سلیمانی، س. (۱۳۹۳)، عناصر بارزش معماری بومی منطقه سیستان بر مبنای مؤلفه های اقلیمی معماری پایدار.
- نظریان، ا.، میربهایی، م. (۱۳۸۹)، نقش ساختار قومی در دوقطبی شدن مراکز تجاری (بازار شهر زاهدان).

بررسی تطبیقی بین معماری بومی سیستان و بلوچستان و پوشاک سنتی این منطقه نشان می دهد که هر دو عرصه، بازتابی عمیق از اقلیم، فرهنگ، معیشت و باورهای مردمان این سرزمین هستند. استفاده از عناصر هندسی مانند مثلث، لوزی، مربع و ترکیب های متقارن در هر دو هنر، نشان از نوعی درک مشترک زیبایی شناختی و نظم ذهنی در میان اقوام بلوچ دارد. در هر دو حوزه، نقش و رنگ نه تنها به عنوان عامل تزئینی، بلکه به عنوان زبان نمادین برای انتقال مفاهیم فرهنگی، اجتماعی و حتی معنوی به کار رفته اند. به طور مثال، رنگ های گرم و تند در سوزن دوزی، بیانگر گرمای اقلیم کویری و طبیعت خشن منطقه است، همان گونه که در نمای خانه های خشتی نیز از خاک و مصالح بومی استفاده شده تا پیوندی با محیط ایجاد شود. همچنین نقش حیوانات، گیاهان و اشکال انتزاعی در هر دو هنر، نشان می دهد که بلوچ ها تلاش کرده اند واقعیت زیستی خود را با خلاقیت ذهنی پیوند دهند. سوزن دوزی زنان بلوچ و تزئینات معماری در بناهای مسکونی، دو تجلی از یک نگاه وحدت گرای فرهنگی هستند که با مصالح ساده، ولی نگاهی پیچیده و عمیق، روح منطقه را در کالبد اثر دمیده اند. در نهایت می توان گفت: سوزن دوزی و معماری بلوچ، دو نمود از یک جهان بینی هستند؛ جهانی که در آن، زیبایی از دل محدودیت ها و هماهنگی با طبیعت و باورها می روید. (شکل شماره ۱)

